



در جزیره العرب که بدان عبدالله باید نام آرا داد مقابله در
تجارب بدبختی و گناون سرور و مبدل فساد گذارد، علم و عدل در قانون
آزادی در خاطر کسی خطور نسی کرد و خدا خطیب آرا اساطیر است که دنیا
ان هذا القرآن یهدی للنی هی اقوم

مقایسه‌های چند از

اسلام و جهان متقدم امروز

- مشمول بر عناوین :
- مجازات متغلف
- قانون برای همه
- امنیت
- امنیت در افکار
- قوه مقننه
- نوشابه الکلی
- آزادبهای شهوت
- حکومت مردم بر مردم
- حکومت قانون بر مردم
- آزادی فردی و اجتماعی
- ایمان - جهاد - زکوة
- سفیدوسياه - توییح

از خطیب دانشمند :
جناب آقای فلسفی





کتابخانه مجلس شورای اسلامی
از رساله‌های اسلام
از لوله‌های ماسینیوت

در قرن اخیر دنیای اروپا و امریکا در اثر کار و کوشش و بسط علم و فرهنگ و در اثر فعالیت و فداکاری پیشرفت‌های عظیمی نصیبش شده است و پیوسته به پیشروی خود ادامه میدهد. ترقیات روزافزون جهان اروپا و امریکا بسیار مهم و حیرت‌انگیز است که نمیتوان آنرا انکار کرد.

پیشوایان بزرگ و دانشمندان جهان متهمند، ریشه تمام ترقیات را در چند اصل ذیل خلاصه کرده‌اند:

حکومت مردم بر مردم، عدل اجتماعی و اقتصادی، فرهنگ عمومی، آزادی، امنیت

قوانین اساسی کشورهای اروپا و امریکا بیشتر در اطراف این

چند اصل دور میزند و تمام ترقیات و پیشرفت‌ها از همین اصول سرچشمه گرفته است.

مجله مطالعات علوم انسانی

اسلام

چهارده قرن بعقب برگردید، دنیای تیره آن روز را بخاطر بیاورید سیه‌روزی و بدبختی، جهل و محرومیت، زورگویی و خیانت و ناامنی در بیشتر نقاط جهان می‌بینید. زمامداران به حکومت دیکتاتوری خود قانع نبودند بلکه به مردم خدائی می‌فرودختند. مردم بدبخت هم ناچار بآن همه ذلت تن داده و چنان بآن انحراف و ستمکشیه‌ها خو گرفته بودند که گویی قبح آنرا درک نمی‌کردند.

در جزیره العرب که بدون مبالغه باید نام آنرا در مقابل دنیای آنروز
منجلا ب بدبختی و کانون محرومیت و فساد گذارد، علم و عدل، وقانون و
آزادی در خاطر کسی خطور نمی کرد و شاید مفهوم آنرا اصلا درک نمی کردند
دختر کشی و چپاول، و زور گوئی و بی عفتی از مسائل خیلی ساده و روزمره
آن سرزمین وحشتناک و مرگ بار بود.

در چنین روزگاری، يك مرد الهی يك رجل آسمانی، يك نجات دهنده
حقیقی، یعنی پیغمبر گرامی اسلام بین آن مردم قیام کرد و پایه های سعادت
بشر را روی اساس ایمان و تقوی، عدل و احسان، هواسات و برادری، علم و عمل،
تعاون و فداکاری استوار نمود.

دنیای متمدن امروز بعضی از آن تعالیم را عیناً عملی کرده ولی بعضی
از آن تعالیم بقدری عالی و بلند پایه است که با تمام ترقیاتی که تا امروز نصیبش
شده هنوز نتوانسته خود را با آن هم آهنگ سازد. ما در این مقاله به بعضی
از هر دو قسمت آن اشاره می کنیم: باطنی و مطالعات فزونی

نظر باینکه آمریکا از نظر ترقی و آزادی و سایر مزایا بین کشورهای
متمدن بمقام بلندی رسیده بهتر است برای سنجش از نشریه «حکومتی
بدست مردم» که دادگستری آمریکا آنرا تهیه نموده است استفاده کنیم و
درباره بعضی از مسائل اصولی و اساسی آن کشور، و عین عبارت کتاب را در
اینجا نقل و با اسلام مقایسه نمائیم.

در ضمن خوانندگان محترم متوجه باشند که کفه مقایسه ما آمریکای
امروز است نه آمریکای يك قرن یا نیم قرن قبل، زیرا اولیاء آن کشور با علاقه
شدیدی پیوسته در رفع نواقص کوشیده اند و برای ایجاد مملکتی بهتر

و کاملتر تلاش نموده اند تا جائیکه در کتاب نامبرده مینویسد :
 در ظرف مدتی که مستقیماً اقدام به تکمیل و جرح
 و تعدیل قانون اساسی گردیده یعنی در مدت ۱۶۰ سال اولیه عمر آن
 که باول ژانویه ۱۹۴۹ منتهی میشود ۲۱ فقره اصلاح قانونی بعمل
 آمده است

مجازات متخلف

در کشور های متحده امریکاست تمام افراد ملت ، خواه
 مشهور ، خواه کمنام ؛ خواه غنی ، خواه فقیر ، همه از لحاظ
 قانون مساوی می باشند ، همه باید قانون را اطاعت کنند و همه از
 حمایت قانون متساویاً حمایت می شوند ، تمام کسانی که بسبب سرپیچی
 و مخالفت با قانون مجرم شناخته میشوند ، بنا باصول قانون اساسی
 بارعایت مساوات و بدون هیچ توجهی بموقع و مقام و شخصیت اجتماعی
 آنها بمجازات خواهند رسید (۱)

در اسلام تساوی تمام مسلمین در مقابل قانون یکی از بدیهی ترین
 مسائل مذهبی است و نیز مجازات متخلف از قانون در هر مرتبه و مقام
 یکی از امور مسلمة اسلام است رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی بن ابیطالب رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا
 در مواردی متخلفین مهم و یا بشخصیت را بمجازات قانونی کردند و کوچکترین
 توجهی بمقام آنها ننمودند ، برای نمونه نیک مورد اشاره میکنیم :

قبیله بنی مخزوم در قریش احترام و ارزش بزرگی داشتند ، زنی
 از آن قبیله دزدی کرد ، طبق قانون باید مجازات شود ، اجراء حد ضربه
 عظیمی برای قبیله بنی مخزوم و قریش بود ، آنها بدست و پا افتادند شاید
 دزد را از مجازات معاف نمایند ، کسی جرئت نداشت به پیغمبر اکرم بگوید ؛
 باسامة بن زید متوسل شدند ، اسامة روی خواهش آنها بعرض رسانید ،
 حضرت باتندی با فرمود : از من درخواست تعطیل قانون میکنی ؟ (۲)

۱- حکومتی بدست مردم صفحه ۳۹-الاسلام والعضارة العربية جلد ۲ صفحه ۳۴۴

پیغمبر ﷺ دستور داد حد را جاری کردند و خطبه پرهیجان و شدیددی ایراد نمود و فرمود:

«انما اهلك الذين من قبلكم . انهم كانوا اذا سرق فيهم الشريف
ترکوه و اذا سرق فيهم الضعيف اقاموا عليه الحد»

مللی قبل از شما بهلاکت رسیدند برای اینکه اگر شخصیت‌های بزرگ
بین آنها دزدی می‌کردند متعرضشان نمیشدند و وقتی مردم ضعیف و گمنام
دزدی می‌کردند، قانون جزا در باره آنها اجرا می‌نمودند.

قانون برای همه

«تساوی افراد در برابر قانون و مصونیت حقوق گوناگون»
«ایشان از تعرض، مقدمه بسط عدالت و تحسین مواهب و برکات»
«آزادی است و آنچه برای نیل باین هدف ضرورت دارد عبارت از»
«سیادت کامل قانونست و سیادت قانون یعنی اینکه بدون توجه ببال و»
«جاه و قدرت و مقام هیچ فرد یا گروهی نتواند با قانون مخالفت ورزد»
«و آن را نقض نماید، و نیز اینکه هیچ يك از افراد ملت (خواه بهر»
«علتی باشد) از حمایت قانون محروم نگردد».

خلاصه این چند جمله آنستکه: زورمندان نتوانند با اعمال نفوذ
از قانون تجاوز نمایند و ضعفا بعلت ضعف از مزایای قانونی محروم نباشند
در اسلام این مطالب از امور مسلمانه و غیر قابل تردید است، برای
نمونه کافی است روش علی بن ابیطالب عليه السلام را که بزرگترین مجری قانون
اسلام است در يك جمله کوتاه، از زبان عدی بن حاتم بشنوید: «لا يطمع
القوي في باطله ولا ييأس الضعيف من عدله» علی بن ابیطالب عليه السلام در اجرای
قوانین عادلانه اسلام بقدری دقیق و صریح بود که زورمندان در اجرای
مقاصد باطل خود طمع نمی‌کردند و ناتوانانها از فیض عدل اسلام مأیوس نبودند.
«ربرت هو گوت جا کسون» دادستان دیوان کشور آمریکا، در ضمن
مقدمه ای که بر کتاب حقوق در اسلام نوشته بارزش عدل اسلام اشاره

کرده است که عین ترجمه آن را در اینجا نقل می‌کنیم :

« . . . مطلب عمده اینست که ما تازه شروع کرده ایم به تشخیص »
 « این نکته که این مذهب که جوان‌ترین مذاهب دنیاست قهقی ایجاد نموده »
 « که حس عدالتخواهی میلیونها مردمی که در زیر آسمانهای »
 « سوزان آسیا و افریقا و چندین هزار نفر دیگر را که در »
 « کشورهای امریکای بست می‌کنند اقناع می‌نماید ، هر چند ممکن است ما »
 « نسبت بالهام مذهبی حقوق آنها مشکوک باشیم ، معذک حقوق مزبور »
 « در دس‌های بسیار مهمی در اجرای قوانین بامیآموزد حالا موقع آن »
 « رسیده که دیگر خودمان را در دنیا تنها قدمی ندانیم که عدالت را »
 « دوست میداریم معنی عدالت را می‌فهمید ، زیرا کشورهای اسلامی »
 « در سیستم قانونی خود رسیدن بآن مقصد را نصب العین خود قرار داده اند »
 « و تجربیات آنها در دس‌های ذی قیمتی برای مادر بردارد .

امنیت

یکی از مسائل مهم در جهان هم‌مدن امروز ، تأمین امنیت مردم است

سازمانهای انتظامی و قضائی در این باره مسئولیت مهمی بعهده دارند

« . . . باین ترتیب اهالی ایالات متحده امریکامادامی که از قانون »
 « تبعیت می‌کنند می‌توانند آزادانه بهر نقطه ای که بخواهند سیر و »
 « سفر کنند و جان و مالشان در امن و امان باشد در صورتیکه حس کنند »
 « حقوقشان نقض شده حق دارند بخواهیم قضائی رجوع کرده و طلب »
 « کمک و حمایت کنند »

« حفظ جان و مال مردم - در هر کشور جزء یکمده سر بازان »
 « تعلیم یافته و آزموده بنام گارد ملی وجود دارد که بهنگام ضرورت از »
 « وجود آنها استفاده میشود در هر نقطه که مقامات محلی قادر بحفظ نظم »
 « و امنیت نباشند حکومت محلی کشور سر بازان گارد ملی را بکمک آنها »
 « می‌فرستد علاوه بر اینها سر بازان گارد ملی جان و مال مردم را در مقابل هر »
 « نوع تعدی حفظ و نگهداری میکنند .

« هر فردی حقوقی دارد از قبیل حق آزادی و حق مالکیت »
 « و حق حیات و اگر کسی متعرض این حقوق گردد شخصی که مورد »
 « تعرض و تعدی واقع شده می‌تواند متعدی و متخلف را در دادگاه »
 « تحت تعقیب و محاکمه قرار دهد .

در اسلام امنیت و مصونیت مردم از هر تعرض غیر قانونی یکی از مهمترین

اصول اجتماعی است، مال و جان و عرض مسلمین محترم و بعد اعلیٰ مورد حمایت قانون است، قوای انتظامی و محاکم قضائی اسلام موظفند در تمام بلاد برای حفظ امنیت و دفاع از حقوق مردم پیوسته آماده باشند قانون گذار اسلام برای حفظ امنیت جاده‌ها و بیابانهای دور افتاده قانون مخصوص دارد. راهزنان مسلح که مزاحم کاروانها و مخمل امنیت جاده‌ها و راهها هستند در قرآن کریم بنام «محارب» خوانده شده اند (۱) اسلام درباره محارب مجازات شدیدی تعیین کرده که باعتبار درجات جرم مختلف میشود

امنیت در افکار مردم

در اسلام دامنه امنیت از شهر و بیابان و جاده بمیدان پهناور و افکار مردم کشیده شده و مغزهای مردم را مهد امنیت یکدیگر قرار داده است اسلام اجازه نمیدهد مسلمانی بمسلمان دیگر گمان بد ببرد. اسلام به پیردان خود وفه ماند، همانطور که باید صحنه پهناور کشور مهد امنیت مردم باشد در میدان وسیع افکار شما نیز باید مردم در امان باشند. مسلمان حق ندارد درباره مسلمان جز بخوبی و پاکتی فکر کند و حق ندارد در مغز خود دیگری را بتیر گمان بد آورد نماید.

ضامن اجرای این قانون قوای انتظامی و محاکم قضائی نیست؛ این قانون فقط بایک قدرت اجرا میشود و آن قدرت ایمان و تقوی است که مخصوص سازمانهای الهی و مکتب انبیاء خداست.

۱- انما جزاء الدین یحاربون الله ورسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلك لهم غزی فی الدنیا و لهم فی الاخرة عذاب عظیم سوره ۵ - آیه ۳۳

بسیاری از ناامنی های اجتماعی از گمان بدسر چشمه میگیرد
گمان بدباعت تجسس در کار دیگران میشود و این خود ناامنی دیگری
است ، تجسس موجب غیبت مردم میشود که آن نیز ناامنی دیگری است.
اسلام مردم را از تمام آنها بر حذر داشته است «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا
کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضاً»
-سوره ۴۹- آیه ۱۲»

بدگمانی دشمن حریت و آزادی است بدگمانی مایه یأس و نومیدی
است. در محیط بدگمانی مردان با کدل و خیر خواه جرات نمی کنند افکار
خود را اظهار نمایند، زیرا متهم میشوند. گمان بد مردم را بیکدیگر
بدین میکند و در نتیجه کارها بیدی تفسیر میشود، در چنین شرائطی
جامعه با سرعتی هر چه تمامتر بسوی سقوط و نیستی میرود. علی (ع) در
کلمات قصار خود میفرماید:

«اسوء الناس حالاً من لم یثق باحد لسوء ظنه ولم یثق به احد لسوء فعله»
بدترین مردم کسی است که از بس بدگمان است باحدی اعتماد ندارد
و از بس بدعمل است کسی باو اعتماد نمی کند.

قوه مقننه

قانون گذاری که از مهمترین اصول سعادت کشور است بدست
نمایندگان بر گزیده مردم است.

«تمام اختیارات قانون گذاری که باین وسیله اعطا میگردد»
«مفوض به کنکره امریکا است کنکره ملی تشکیل خواهد یافت از مجلسین»
«سنا و نمایندگان»

اختیارات مردم طبق قانون حاکم بر اختیارات نمایندگان است

«در نتیجه این پیش‌بینی‌های قانون‌اساسی مردم ایالات متحده»
 «امریکا همیشه احساس میکنند و اعتقاد دارند که قدرت نهایی در دست»
 «خودشان است و سناتورها و نمایندگان آنها موظفند همیشه مراقب»
 «و مواظب باشند که رفاه و آسایش ملت را تأمین سازند»

مردم پیوسته نظر خود را در وضع قانون به نمایندگان خویش اعلام میدارند
 «حتی افراد عادی ملت از بیان عقیده شخصی خویش نسبت»
 «به طرز اداره و سیاست اداره کردن امور باک ندارند و آنچه بنظر»
 «ایشان میرسد با کمال وضوح به نماینده خود می‌گویند»

این قدرت در کشورهای جزء نیز برای ساکنین آن محفوظ است :
 «در هر يك از قوانین اساسی کشورهای جزء ذکر شده که قدرت»
 «و اختیارات نهایی متعلق بساکنین و مردم آن کشور است»

خلاصه موقیعت اجتماعی و سیاسی برای کسی است که بهتر
 رضایت مردم را جلب کند و اگر برخلاف تمایل مردم عمل کرد طرد
 خواهد شد .

«در تئوری و در عمل مأمورین نامبرده مادامی میتوانند از اختیارات»
 «خویش که از طرف مردم اعطا شده است استفاده کنند که مردم از طرز»
 «کار ایشان راضی باشند و شامل گوناگونی در دست مردم است که»
 «با آن قدرت و کنترل خود را بر نمایندگان منتخب اعمال می‌کنند و»
 «بایشان یاد آور می‌سازند که در عین حالیکه زعما و قائم‌دین قومند»
 «نوکر مردم نیز هستند . بنا بر این مأمورین نمیتوانند در این نکته»
 «غفلت ورزند که در انتخابات آینده بایک نوع (بوم‌الحساب) سیاسی»
 «مواجه خواهند شد و این امر بر اعمال ایشان تأثیر فراوان دارد»

از مجموع این چند قسمت معلوم میشود که : قانون گذار در دنیای
 متمدن نمایندگان مردمند و مملکت قانون گذاری در عین مراعات مصالح
 مردم تمایلات و خواسته های مردم است نماینده‌ای که عملاً نتوانست رضای
 مردم را جلب کند در انتخابات بعد از آراء مردم محروم است .

در اسلام قانون گذار خداوند و مملک قانون گذاری فقط مصلحت مردم است. در جائیکه خواسته مردم مخالف با مصلحت آنها باشد خداوند مصلحت را مقدم میکند. در قرآن کریم فرمود: فریضه سر بازی بر شما هقر ر شده و بآن بی میلید، چه بسا از چیزی متنفرید و بمصلحت شماست و چیزی را دوست دارید و برای شما مضراست.

بعبارت روشنتر قانون گذار در جهان متمدن بمنزله فرمانبردار صمیمی و خدمتگذار مطیع مردم است و در اسلام قانون گذار بمنزله طیب خیر خواه و مصلحت اندیش مردم است. خدمتگذار مراقب است هر چه آقا بخواند اجراء کند و طیب مراقب است هر چه مصلحت مزاج و عامل سلامت و بهبود مریض است اقدام نماید.

پیغمبر اکرم (ص) (۱) بمردم میفرمود: شما چون مرضی و خداوند مانند طیب است، صلاح مریض در دانسته های طیب و مال اندیشیهای او است نه در تمایلات مریض. علی علیه السلام در نهج البلاغه (۲) پیشوای الهی را طیب و تعالیم مذهبی را دار و وسائل طیبی دانسته است.

در مواردیکه خواسته مردم متکی بفطرت سلیم و عقل روشن باشد قوانین صحیح و نجات بخش است ولی جائیکه خواسته های مردم از تمایلات نفسانی یا تعصب های جاهلانه و نظائر آن باشد، بسعادت واقعی مردم مضراست در این قبیل موارد قوانین الهی در جهت مخالف قوانین بشری

۱- یا عباد الله انتم كالرضی ورب العالمین كالطیب، فصلاح المرضی فیما یعلمه الطیب و تدبیر به لافیا یشتبه المرضی و یقرحه
 ۲- طیب دوار بطبه قدا حکم مراهمه و احی مواسمه بضع ذلك حیث الحاجة الیه من قلوب عمی و آذان صم و السنة بکم

قرار میگیرد گاهی تضاد خواسته مردم با مصلحت مردم، قانونگذاران را در وضع بسیار مشکل و غیر قابل حلی قرار میدهد.

نوشابه الکلی

در زمان پیغمبر اسلام شراب متاع رایج و در علقه مردم بود و از نظر اقتصادی و مالی منافع قابل ملاحظه‌ای را برای مردم فقیر و بی بضاعت آن سرزمین در برداشت، ولی قابل انکار نبود که این مایع خطرناک سد راه سعادت بشر بوده و بدبختی‌های گوناگون در برداشت، قانونگذار واقع بین و مصلحت اندیش اسلام مضار آن را بزرگتر از منافع آن دید «و اثمهما اکبر من نفعهما» (سوره آیه ۱۱۹) بخواسته مردم توجه نکرد بضررهای اقتصادی آنرا، اعتنا ننمود بدون تردید و با کمال صراحت آنرا تحریم کرد مهمتر آنکه نه تنها خوردن و خرید و فروش آنرا بر پیر و ان خود منع نمود، بلکه ساختن و فروختن آنرا به ملل دیگر نیز بمسلمین اجازه نداد و خلاصه سعادت ملت خود و سلامت دیگران را در این قانون در نظر گرفت.

آمریکامقررات و قوانینی نسبت بنوشابه‌های الکلی وضع نمود که عیناً درج میشود،

در فصل نهم تحت عنوان وزارت خانه های حکومت مرکزی از کارهای وزارت دارائی در نشریه نامبرده چنین میگوید:

«مراقبت و برقراری نظم برای خرید و فروش مواد الکلی»

«مخدره بین ایالات متحده با کشورهای خارجی . . .»

در شرح درآمد و مالیاتها در آمد مشروبات الکلی را بحساب آورده میگوید:

رسومات که بر مواد تولیدی مخصوصاً مشروبات الکلی ، سیگار و ورق بازی ، اثنایه و لامپ چراغ برق وضع شده است

بمنظور تأمین رفاه و سعادت اهالی تحت عنوان بهبود وضع زندگی مردم بحکومت کشور های جزء اختیاراتی داده شد از آن جمله مینویسد :

حکومت های محلی کشور بموجب این اختیارات که اختیارات حفظ و نگهبانی نامیده میشود قوانینی برای منع بازی قمار و لاتاری و بخت آزمایی و تحریم فروش مشروبات الکلی می گذرانند؛

در ضمن عمل قانونگذاران بمفاسد و خطرات مشروب متوجه شده، از نظر مصلحت مردم تمام کشورهای آمریکا کلیه جهات اقتصادی و درآمدهای مالی و تمایلات مشروب خواران را زیر پا گذاشته اند ، ماده اصلاحی مهمی بر قانون اساسی بشرح زیر افزودند :

ماده ۱۸ بندیک - یکسال پس از تصویب این ماده تولید و فروش و حمل مشروبات مسکره در داخله و ورود آنها بشور و صدور آنها از کشورهای متحده و کلیه مناطق و سرزمین هائیکه تحت حاکمیت کشورهای متحده آمریکا است بمنظور شرب ممنوع خواهد بود

بطوریکه ملاحظه میفرمائید ضد زور و وارد ساختن و فروختن مشروب در همه جا برای همه، جهت شرب ممنوع گردیده، از مفاد این قانون پیداست. که قانونگذاران صرفاً از نظر مصلحت مردم و کشور، بوضع چنین قانونی مبادرت نموده اند، ولی طولی نکشید که عوامل اقتصادی با تمایلات مردم یا عوامل دیگر باعث شد که قانونگذاران بموجب ماده دیگری این قانون را لغو نمودند و منحصرأ منع ورود را برای توزیع و مصرف ، تابع قوانین محلی کشورهای جزء دانستند و خلاصه از نظر کناره و حکومت مرکزی مشروبات الکلی بلا مانع اعلام شد .

«ماده ۲۲ بندیک - ماده هیجدهم اصلاحی قانون اساسی کشور»
 «دهای متحده امریکا باین وسیله ملغی میشود ، بندود - باین وسیله حمل»
 «یا ورود مشروبات مسکر بداخل هر یک از کشورهای متحد و مناطق»
 «یا متصرفات کشورهای متحد امریکا بمنظور توزیع مصرف»
 «چنانچه مخالف با قوانین نقاط مذکور باشد ممنوع میگردد»

دور نیست که گفته شود: این تضاد و تراحم که در وضع قانون گذاری
 در باره مشروبات مشهود است ، مولود تضاد مصلحت مردم با خواسته
 مردم است.

آزادیهای شهوت

دنیای اروپا و آمریکا بد ختران و پسران و بزنان و مردان در
 باره اعمال غریزه جنسی ، آزادیهای بسیاری داده اند و آنها نیز از این آزادی
 استفاده مینمایند و شهوات و تمایلات خود را بصورت مختلف بکار
 می بندند : بوسیدن ، در آغوش گرفتن ، با هم رقصیدن ، برهنه در آب
 با هم شنا کردن ، تقابل چشم یکدیگر عریان بودن ، از مسائل
 بسیار ساده و پیش یافتاده دنیای متمدن است.

قبیح عادی و منع قانونی ندارد ، مناظر شهوت انگیز و مهیج
 فیلم های خطرناک اروپا و آمریکا برای نشان دادن درجات شهوت
 نمونه بارز ما است .

در اسلام اعمال تمایلات جنسی را فقط در ازدواج قانونی اجازه داده
 است . این قبیل آمیزش های زنان و مردان را مضر بسعادت و منافی بامصلحت
 مردم میدانند .

پیغمبر اسلام (ص) به پاکی نسل جامعه توجه بسیار دارد و آمیزش های غیر
 قانونی زنان و مردان را موجب آلودگی و ناپاکی نسل میدانند اسلام تمایلات

جنسی را مانند سایر تمایلات تعدیل کرده و تندروی در آن را موجب سقوط ملت و هلاک جامعه دانسته است.

(و اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا متر فيها فنفستوا فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميرا - سوره ۱۷ آیه ۱۷)

خاندانهایی که بعلت عیاشی ساقط شده اند بسیارند.

زمامدارانی که در اثر شهوت پرستی و بی‌عفتی نیست و نابود شده اند در تاریخ فراوانند.

مللی که در اثر تندروی در شهوات دچار شکست‌های فاحش و جبران‌ناپذیر شده اند متعدد و زیادند. مسلمان اسپانیاروزی دچار سقوط شدند و تمام حیثیت و استقلال خود را از دست دادند چون در منجلاب شهوت غوطه ور شده و شبهای خود را در حال مستی در آغوش زنان هرجائی گذراندند و ضربه بزرگی که در جنگ گذشته بر ملت کهن سال و متمدن فرانسه وارد شد، بموجب گزارشی که «ژنرال ژبرو» برای «مارشال پتن» نوشته بود، قسمت اعظمش برای این بود که ملت فرانسه در شهوت و عیاشی تندروی کرده بودند.

خلاصه این مطلب غیر قابل انکار است که شهوت پرستی یکی از بزرگترین عوامل سقوط فرد و خانواده و ملت است.

اگر ملاک قانون گذاری خواسته‌های مردم باشد، تمام بشر بحکم غریزه طبیعی خواستار عیاشی و شهوت‌اند. هر کس بالغ شود و تمایل جنسی را حس کند از آمیزش با جنس مخالف لذت می‌برد و در این راه خواهان آزادی بی‌قید و شرط است.

اسلام مصلحت‌اندیش این خواسته را ضمن قانون ازدواج بقدر

مصلحت اجازه داده و آزادی شهوت را که مخالف صلاح و سعادت است بموجب قانون تحریم نموده است. در اروپا مرد يك زن ميگيرد و ميتواند با يك يا چند زن رفيق باشد، بپوسد و بر قصد و در صورت توافق و تمايل با او همبستر شود و بهيچ وجه منع قانونی و اخلاقی ندارد.

در اسلام هر گونه آميزش و تماس زن با مرد اجنبی منع صريح قانونی دارد. بوسيدن و در آغوش گرفتن، با هم شنا کردن مانند زنا کردن حرام است.

در اينجا اين سؤال پيش می آيد: اگر در اروپا و آمريکا معاشرت مردان و زنان مانند اسلام منع قانونی داشت، آیا اروپائيهما و آمريکائيهما با هم از قانون تعدد ازواج تعجب ميکردند؟ آیا با هم در وضع اين قانون با اسلام خورده ميگرفتند؟ آمريکائي و اروپائي عملاً موافق است، يك مرد با چند زن آميزش کند، گومی از اسلام گله دارد که چرا آنرا به حدود قانون مقيد کرده و بطور بی بندوبار اجازه نداده است. انانیت فرنگی

حکومت مردم بر مردم
بزرگترین افتخار يك کشور آزاد اينست که خود مردم بر خودشان

حکومت کند و تمام اختيار در دست مردم باشد.

« . . . در بين مردم حکومتهای بوجود آمده که اختيارات »

« حقه آنها ناشی از رضایت مردمی است که بر آن حکومت می کنند »

« که هر زمان هر نوع حکومتی مخرب اين اميال گردد، حق مردم »

« است که آنها عوض نموده یا برکنار سازند »

« مردم آمريکا ايمان دارند که حکومتی را که ابراهام لينکلن »

« آن آزادی بخش بزرگ بمعنی حکومت مردم بدست مردم و برای »

« مردم تعريف کرده با موفقیت و پیروزی بر مشکلات فایق خواهد »

« آمد چنانکه در گذشته بر آن فایق آمده است. »

معنی حکومت مردم بر مردم اینست که تمام قدرت ها در کشور ناشی از مردم است و حکومت کنندگان بر گزیدگان خود مردمند که بر مردم حکومت می کنند .

«سه قوه اصلی حکومت یعنی مقننه (وضع کننده قوانین) مجریه «
 «عمل کننده حکومت و مجری قوانین) و قضائیه (مفسر قوانین و «
 «رفع کننده مشاجرات از یکدیگر) بطور مشخص تفکیک گردیده است تا «
 «هر يك منفرداً نماینده قاطبه مردم باشند . «

قانونگذار اگر قانون وضع کند به نمایندگی مردم است ، پس در واقع این خود مردمند که قانون وضع کرده اند .

«يك نفر تبعه موظف است از طریق پرداخت مالیات به حکومت «
 «خود كمك مالی کند و وظیفه اوست که از قوانین و مقرراتی که خود در وضع «
 «آن سهیم بوده است اطاعت کند «

بنابراین در عین اینکه حکومت قانون است باید گفت حکومت مردم است زیرا قانون مجموعه خواسته ها و تمایلات مردم است که بوسیله نمایندگان مردم در غالب الفاظ و عبارات ریخته شده است .

حکومت قانون بر مردم جامع علوم انسانی

در اسلام چون قانون گذار خداوند است نمیتوان گفت حکومت مردم بر مردم ، بلکه فقط باید گفت حکومت قانون بر مردم و چون در اسلام قانون متکی بخواسته های مردم نیست بلکه ناظر بمصلحت مردم است باید گفت : کتاب قانون یعنی مجموعه صلاح و سعادت مردم .

در تمدن جدید قوه مقننه در عرض قوه مجریه و قوه قضائیه قرار گرفته است . و مردم فوق همه آنها یعنی سه قدرت مستقل و تفکیک شده

ناشی از قدرت مردم ناشی است ، ولی در اسلام قانون و قانون گذار فوق همه کس و همه چیز است ، قوه مجریه و قوه قضایه و کلیه مردم در هر طبقه و مقام باید مطیع قانون یعنی قرآن و مطیع قانون گذار یعنی خداوند باشند

آزادی فردی و اجتماعی

یکی از بزرگترین ارکان تمدن جدید آزادی فردی است که در اسلام نیز به بهترین وجهی تأمین شده است با این تفاوت که اسلام بملت خود در گناه آزادی نداده است کسب و کار در اسلام در جهان متمدن امروز آزاد است و دایر کردن قمارخانه و مشروب فروشی در اسلام آزاد نیست در تمدن اسلام و تمدن جدید مردم می توانند آزادانه در اموال خود تصرف کنند ولی مسلمان حق ندارد مال خود را بابت فاحشه و قمار بدهد مرد در انتخاب زن و زن در انتخاب مرد برای زناشویی در اسلام و غرب آزاد است ، ولی برای اینکه بیگانگان بر مسلمین حکومت نکنند و سلطه و نفوذی بدست نیاورند اسلام اجازه نمیدهد زن مسلمان شوهر غیر مسلمان انتخاب نماید .

خلاصه : اسلام با آزادی موافق است مگر در مواردی که آزادی مخالف عقل و منطق یا منافی با شرف و استقلال مسلمین یا مضر به مال و جان مردم باشد .

بزرگی و عظمت يك کشور را در کثرت افراد ملت یا فراوانی معادن و مخازن طبیعی و ثروت آن جستجو نکنند ، بلکه کشور بزرگ و با عظمت کشوری است که آزادی صحیح و عاقلانه مردم بهتر تأمین شده باشد مملکت برای همه و متعلق به همه باشد همه از عدل اجتماعی و مزایای

مملکتی برخوردار باشند. همه در حدود صلاحیت و شایستگی در اوضاع کشور نظارت کنند. بتوانند آزادانه از خوبی تشویق و حمایت کرده و بانحراف و ناروایی اعتراض نمایند. قرآن ملت اسلام را بهترین ملت معرفی کرده زیرا در امور اجتماعی آزادی قانونی دارند می‌توانند امر بمعروف و نهی از منکر نمایند.

«کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر»
(سوره آیه ۱۰۶)

کشور قانونی و آزاد آن کشوری است که از یک طرف حکومت دارای قدرت بوده و مورد اطاعت مردم باشد ولی دیکتاتور و خود سر نباشند از قانون بیروی کند و از طرف دیگر مردم دارای اراده و اختیار باشند بتوانند در نیک و بد کشور نظارت کنند ولی هر چه و مرج طلب و لجام گسیخته نباشند چنین کشور حد وسط بین دیکتاتوری و هرج و مرج است در چنین کشوری مردم آزادی قانونی دارند و در امور اجتماعی نظارت میکنند ولی تندرو و متجاوز نیستند. قرآن چنین ملتی تربیت کرد و این چنین وضعی بوجود آورد.

و كذلك جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس
(سوره آیه ۱۴۲)

ملت اسلام امت وسط و ملت قانون و آزاد است و بهمین دلیل حق نظارت ملی دارد.

نظارت مردم در حسن اجرای قانون و حق اعتراض بگناه بهترین مجری قوانین اسلام بود. در کشوری که مردم حق اعتراض بگناه داشته

باشند گناهکار جرئت قانون شکنی و تجاوز ندارند، تنفر و انزجار مردم بهترین راه مبارزه با گناه و بزرگترین مجازات گناهکاران است، زندان هر قدر سخت باشد به سختی زندان انزجار افکار عمومی نیست. کسیکه مورد طرد و تنفر مردم واقع شود جهان پهناور برای او تنگنای غیر قابل تعمیلی است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای جنگ تبوک بسیج عمومی کرد که کعب ابن مالک و «هلال بن امیه» و «فزاره بن ربیع» روی مساهحه کاری و سستی از انجام فریضه جهاد سر باز زدند و با سر بازان بجهت جنگ نرفتند پس از آنکه پیغمبر و سر بازان حرکت کردند از کرده خود پشیمان شدند ولی موقع گذشته بود، بعد از مراجعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از خواهی شرفیاب شدند و بدینوسیله به تخلف خود اقرار نمودند و باید مجازات شوند.

ازش اسلام دادگاه نظامی و محاکمات صحرائی ندارد. نبی اکرم مجازات عجیبی برای آنها مقرر فرمود: خودش با آنها حرف نزد دستور داد احدی با آنها سخن نگوید، این مجازات که بنظر آسان می آمد از هر زندانی سخت تر و طاقت فرسایتر بود، جانشان بلب آمد و جهان فراخ برای آنها تنگ شد. قرآن در سوره ۹ آیه ۱۱۹ بطور اجمال به قضیه اشاره فرموده است:

و علی الثلاثة الذین خلفوا حتی اذا ضاقت علیهم الارض بما رحبت و ضاقت علیهم انفسهم و ظنوا ان لاملجاً من الله الا الیه ثم تاب علیهم لیتوبوا ان الله هو التواب الرحیم

همه مردم برای اطاعت از دستور پیغمبر از سخن گفتن با آنها خودداری کردند. تفسیر تبیان میگوید: بچه های شهر نیز با آنها حرف

نمیزدند. زن و فرزند آنها با آنان سخن نمی گفتند. کسانی که غذا برای آنها می آوردند بدون گفتن يك جمله ظرف غذا را می گذاردند و می رفتند، از این محیط تنفر آمیز و خفقان آور بچنان آمدند که کار با مستخوانشان رسید، مجبور شدند شهر را ترك کنند متجاوز از چهل روز بدین منوال گذشت، آنقدر گریه کردند و در پیشگاه خداوند اظهارندامت نمودند تا توبه آنها قبول و اجازه داده شد که مردم بسا آنها معاشرت نمایند و بطور عادی سخن بگویند.

قانون گذار اسلام مرد درستکار را مورد حمایت قانونی قرار داده و همه جا از افراد عادل و متقی تجلیل کرده و شهادت آنها را در محکمه قضا قبول نموده است و در مقابل بگناهکار اظهار بدبینی نموده و به مردم نیز دستور داده با آنها رفاقت نکنند و از معاشرت با آنها پرهیزند و با این مبارزه منفی از طرفی مردم پاک را از خطر گناه حفظ نموده و از طرف دیگر قوانین را بدین وسیله به مرحله اجرا در آورده است.

در اسلام نظارت مردم بقدری اهمیت داشت که حکومت ناگزیر بود قضایای کشور را با آنها به میان بگذارد و بافکار و نظریه های مردم احترام کند.

در زمان خلافت عمر امپراطور روم با مسلمین ترك مخاصمه نمود و عمر نیز موافقت نمود. امپراطور روم نامه ای بخلیفه مسلمین نوشت تا از این راه خود را باو نزدیک کند، در این موقع ام کلثوم همسر خلیفه مقداری عطر و بعضی لوازم زنانگی بعنوان هدیه برای ملکه روم فرستاد، همسر امپراطور نیز هدایای بسیاری برای ام کلثوم ارسال داشت، از آن جمله گردن بند

جواهر گران قیمتی بود، موقعیکه فرستاده ام کلتوم هدایای ملکه رم را بمدینه آورد، عمر از جریان مطلع شد، تمام هدایا را گرفت و دستورداد مردم در مسجد اجتماع نمودند، جریان را با اطلاع مردم رسانید و برای اظهار نظر موضوع را با مردم بمیان گذارد تا معلوم شود این هدایا متعلق با کلتوم عیال خلیفه است یا باید تحویل بیت المال شود، بعضی آنها را متعلق بام کلتوم دانسته می گفتند: این هدایا بجای هدیه ایست که ام کلتوم از مال شخص خود فرستاده است، بعضی گفتند: این هدایا برای شخص ام کلتوم فرستاده نشده بلکه بعنوان مقام او یعنی همسری خلیفه مسلمین ارسال شده است و باید تحویل بیت المال شود، عمر نظریه دوم را تایید کرد و گفت پیک، پیک مسلمان بوده و بنمایندگی مملکت رفته است و باید همه آن هدایا بجز آنه مسلمین تسلیم شود. فقط دستورداد قیمت هدایایی که ام کلتوم از مال شخص خود برای ملکه رم فرستاده از بیت المال پرداخت گردد از این قضیه کوچک تاریخی بخوبی میتوان فهمید که در اسلام توجه مردم بامور کشور و حق نظارت ملی بقدری ریشه دار و عمیق بود که خلیفه مقتدری چون عمر قادر نیست موضوع ساده ای را از افکار مردم پنهان نگاه دارد مهمتر آنکه وقتی قضیه را به مردم عرضه میکند، مردم در کمال آزادی و با تمام صراحت اظهار نظر و عقیده می کنند و خلیفه نیز نظر مردم را احترام و اجراء می نماید.

دنیای متمدن امروز بدون تردید نیز از نعمت آزادی اجتماعی برخوردار است، اختیار امور در دست مردم است و اراده آزاد مردم است که چرخهای کشور را می گرداند، نمایندگان مردم سخن آزادانه میگویند

جرائمی که آئینه افکار مردم اند آزاده انتقاد و در موارد لازم اعتراض می کنند، حکومتها ناچارند با آزادی مردم احترام کنند و کمال توجه را با افکار مردم داشته باشند.

خلاصه در اسلام تحت عنوان امر بمعروف و نهی از منکر و در آمریکا و غرب بعنوان نظارت ملی و حکومت مردم بر مردم با آزادی احترام شده است و حق دارند از خوبیها حمایت و با منحرفان و بدیها اعتراض کنند و مردمند که ناظر اجرای قوانین و حافظ مقررات کشور هستند.

در اسلام امر بمعروف و نهی از منکر یکی از فرائض و وظایف ایمانی و روحانی است، مسلمان معتقد است علاوه بر اینکه باید فرائض خود را انجام دهد از گناه پرهیزد، موظف است مراقب برادران خود نیز باشد، در سعادت آنها کمک کند و گناهکار را از گناه نهی نماید.

مسلمان عقیده دارد که باید نهی از منکر نماید و اگر بتواند و نکند امر خداوند را مخالفت کرده و گناهکار است و استحقاق مجازات دارد مسلمان باید خود گناه نکند و راضی به گناه دیگران نباشد، زیرا اسلام گفته است: کسی که بعمل باطل دیگران راضی باشد مثل اینست که در گناه با آنها شریک بوده، علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود **كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا** یا راستم دیدگان و دشمن متمگران باشید.

مسلمان اگر ببیند مظلومی گرفتار است و مردم را بکمک می طلبد، موظف است بداد او برسد و تا آنجا که میتواند دست ظالم را کوتاه کند و اگر توانست و نکرد وظیفه مسلمانان را انجام نداده است، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **(مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للمسلمين و لم يجبه فليس بمسلم)**

خلاصه در اسلام امر بمعروف و نهي از منکر با وجود شرایط از وظایف حتمی و از جمله فرایض است مسلمان نه فقط آزاد است که اگر بخواهد حق داشته باشد نهی از منکر نماید، بلکه موظف است حتماً از این آزادی استفاده کند و باید نهی از منکر نماید.

در جهان متمدن چطور؟

آیا استفاده از حق آزادی، جزء فرایض غیر قابل تغلف است؟ آیا کسیکه به مظلومی کمک نکند مؤاخذه قانونی میشود؟ آیا روزنامه ای که در مورد اعتراض لازمی سکوت نمود، استحقاق مجازات دارد؟ آیا کسی که بتواند با سخنرانی اعتراض کند و نکند گناهکار شناخته میشود؟

خلاصه در جهان متمدن آیا اعمال حق آزادی و استفاده از آن برای حفظ قانون و عدالت فردی و اجتماعی از واجبات و جزء وظایف قطعی است، یا از مباحات است که اگر خواست میتوانست استفاده نماید و اگر نکرد استحقاق مجازات ندارد؟

در باره همکساری مردم با مامورین در مواقع اغتشاش و بی نظمی میگوید:

یکی دیگر از مامورین مهم حکومت محلی ایالتی (شریف) یا ضابط عدلیه است او ست ریاست پلیس ایالتی را دارد و موظف است که نظم و امنیت عمومی را حفظ کند . . . (شریف) مجاز است که از هر یک از ساکنین ایالت تقاضا کند تا در دستگیری يك جنایتکار و یادر حفظ نظم و امنیت در مقابل وقوع بی نظمی و اغتشاش به او کمک کند

آیا این تقاضا برای مردم الزام آور است؟ اگر فرضاً مردم اطاعت نکردند مجازات میشوند؟ مگر قدرتی فوق قدرت مردم هست که بتواند آنها

را مجازات نماید؟

در اسلام مبارزه با گناه فریضه مذهبی است، لازم نیست مقامی از آنها تقاضا کند، فقط کافی است به مردم تذکر دهند. در این موقع مردم خود را موظف میدانند برای جلوگیری از گناه اقدام نمایند. اگر کسی تخلف کرد در پیشگاه خداوند استحقاق مجازات دارد آری خدا است که فوق مردم است.

در اسلام لازم است مردم بر حسن اجرای قانون نظارت کنند. به نیکی امروز ابندی نهی نمایند و بعبارة آخری اسلام حکومت قانون است بر مردم با نظارت مردم.

ایمان

یکی از تفاوت های مهم بین اسلام و دنیای متمدن امروز ایمان است. در اسلام مردم بقوانین و تعالیم دینی مؤمن و معتقدند و انجام آنرا از وظایف وجدانی و روحانی خود میدانند، ضامن اجرای قوانین در اسلام ایمان مردم است، توسل بزور و قوای انتظامی در موارد محدودی برای مردم منافق یا افراد سست عقیده و لاابالی است.

در دنیای امروز چون قوانین زائیده فکر بشر است، مردم آن را به چشم ایمان نمی بینند و اجراء آن را مانند دستور آسمانی فریضه وجدانی و روحانی خود نمیدانند. ضامن اجرای قوانین جهان متمدن امروز، سازمانهای انتظامی و اجرائی کشور است؛ البته وضع تربیت افراد از دوران کودکی در اجراء قوانین نقش مهمی دارد.

قرآن کریم از عمل صالح مکرر سخن گفته است، ولی همه جا قبل از ذکر عمل صالح از ایمان نام برده است.

ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات. وبشر الذين آمنوا وعملوا الصالحات . والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات .

اسلام عملی را پاک و صالح میدانند که ناشی از ایمان و از منبع روحانی صاحب عمل سرچشمه گرفته باشد . کسیکه عملش متکی بایمان و خلوص نباشد استحقاق پاداش ندارد . اسلام اول بخوبی و ایمان مردم نظر دارد ، بعد بخوبی اعمال مردم اسلام مردم خوب را از اعمال خوبشان بهتر میدانند رسول اکرم ﷺ میفرمود :

نية المؤمن خير من عمله

و امام حسن عسکری علیه السلام میفرمود :

(خير من الخير فاعله واجمل من الجميل قائله وارجح من العلم حامله)

رسول اکرم ﷺ فرمود :

خير من الخير معطيه وشر من الشر فاعله

و باز فرمود : (فاعل الخير خير منه وفاعل الشر شر منه)

اسلام در درجه اول متوجه اصلاح افکار و تطهیر دلهای مردم است . بدیهی است مردم دل پاک اعمالشان شایسته و پاک خواهد بود ولی در دنیای متمدن اولیاء کشور فقط ناظر اجرای قانون و متوجه بعمل مردم هستند و نظر ندارند که مردم در باطن مردان شریف و پاک هستند یا افراد ناپاک و پلید . دادستان دیوان کشور امریکایمقدمه ای بر کتاب حقوق در اسلام باین نکته نیز اشاره کرده است :

قانون در امر بیک فقط بیک تماس محدودی با اجراء و ظایف اخلاقی دارد و در حقیقت بیک شخص امر بیکانی در همان حال که ممکن است بیک فرد مطیع قانون باشد، ممکن است بیک فرد پست و فاسدی هم از حیث اخلاق باشد، ولی بر عکس آن در قوانین اسلامی سر چشمه و منبع قانون اراده خدا است، اراده ای که بر رسول او محمد (س) مکشوف و عیان گردیده است، این قانون و این اراده الهی تمام مومنین را جامعه واحدی می شناسد گرچه از قبائل و عشایر گوناگون تشکیل یافته و در مواضع و محل های دور و مجزی از یکدیگر واقع شده باشند؛ در اینجا مذهب نیروی صحیح و سالم التصاق دهنده جماعت می باشد نه ملیت و حدود جغرافیائی؛ در این جا خود دولت هم مطیع و فرمانبردار قرآن است و مجالی برای قانون گذاری دیگری باقی نمی گذارد چه رسد باینکه اجازه انتقاد و شقاق و نفاق بدهد بنظر مومن این جهان دهلیزی است بجهان دیگر که جهان بهتر باشد و قرآن قواعد و قوانین و طرز سلوک را نسبت بیکدیگر و نسبت باجماع آنها معین میکند تا آن تحول سالم را از این عالم بعالم دیگر تامین نماید.

ایمان بخدا در قلوب مسلمین چنان ریشه دارد و عمیق بود که در جای خلوت، در مکانی که هیچ کس او را جز خداوند نمی دید، وظائف قانونی و تعالیم دینی را به بهترین وجهی انجام میداد، بر سبیل نمونه تاثیر ایمان را در حسن اجرای قانون در ضمن دو مورد بعرض خوانندگان محترم می رساند

جهاد

سربازی و از جان گذشتگی از بزرگترین مسائل اجتماعی تمام ملل عالم است، سازمانهای وسیع ارتش برای احضار مشمولین و نظارت در حسن اجرای قانون با تمام مسائل مجهز است و برای متخلفین از وظیفه سربازی قوانین سخت و دشمنی وضع نموده اند، زیرا سربازی همانطور که از اسمش پیدا است سرباختن و از جان گذشتن است و اجراء این قانون چیز با مقررات تند و دشمن غیر ممکن است.

در اسلام سربازی از عبادات است. سرباز روی قدرت معنوی و ایمانی، وظیفه سنگین و مقدس جهاد را از صمیم قلب استقبال می کند و کشته شدن در راه خدا را بزرگترین افتخار و سعادت خود میداند، بهمین جهت قانون گذار اسلام در این باره نه تنها قوانین خشن وضع نکرده بلکه بر عکس تسمیلاتی مقرر نموده است که در تمام دنیای اروپا و آمریکا و کلیه کشورهای جهان شاید نظیر نداشته باشد.

در اسلام همانطور که کور و مریض و افلیح مانند تمام کشورها از خدمت سربازی معاف است عدم موافقت پدر و مادر نیز برای سربازی علی-قانونی معافیت از خدمت است بعبارت دیگر اسلام پیدر و مادر مسلمان حق قانونی داده است که فرزند خود را از خدمت سربازی و حضور در جهاد منع نمایند.

(و اما الابوان فان كانا مسلمین لم یکن له ان یجاهد الا بامرهما ولهما منعه) اگر پدر و مادری از این حق استفاده کرد و فرزند خود را از سربازی منع نمود، ارتش اسلام آن فرزند را از خدمت سربازی قانوناً معاف شناخته است و او حق ندارد در جبهه جنگ شرکت کند.

در دنیای متمدن آیا در تمام ارتش آنها چنین قانونی وجود دارد؟ بطور یقین اگر در قوا نین سربازی آنها چنین حقی پیدران و مادران داده شود چنان ضربه ای بسازمان ارتش وارد میشود که بهیچ وجه قابل جبران نیست. کدام مادر پیدر است که از این حق قانونی استفاده نکند و راضی شود که فرزندش جلو آتش مسلسل قطعه قطعه شود؟

در اسلام این قانون کو چکترین ضربه ای بخدمات سر با زی نزد، پدران و مادران از این حق استفا ده نکر دند، زیرا خدمات سر با زی را روی مقر رات خشک وقوا نین زا میده مغز بشر انجام نمیدا دند، بلکه معتقد بودند ریشه آن امر الهی و اثر آن سعادت جاو دا نی است. کدام پدر یا مادر بسعادت ابدی فرزند خود مخالف است

موقعیکه فرزند برای سفر جهاد آماده میشدمادر با کمال خوشحالی اورا بدرقه میکرد و این سفر را برای او بزرگترین عامل سعادت و کامیابی میدانست میگفت: فرزند اگر بدرجه رفیعه شهادت نائل شدی و در میدان پرافتخار جهاد جان سپردی ما در تراقیامت فراموش مکن از من شفاعت کن تا مادرت از آبروی تو استفاده کند و او نیز بسعادت ابدی نائل گردد، فرزند هم که عاشق فداکاری و جان بازی در راه خدا بود بمادر میگفت دعا کن که من در میدان جهاد در راه خدا کشته شوم و بسعادت شهادت برسم.

رسال جامع علوم انسانی

آری در اسلام سر بازی عبادت است و ضامن حسن اجرای قوانین آن ایمان بخداوند است نه مقررات تند و خشن.

زکوة

یکی از مسائل مهم اجتماعی هر کشور موضوع مالی و وصول مالیات های مقررده است. مردم بثروت خود علاقه دارند حاضر نیستند بآسانی آنرا از دست بدهند. دولتها برای وصول مالیات سازمانهای وسیعی تشکیل داده و قوانینی وضع نموده اند. کسانی که از پرداخت مالیات مقررده خود داری

کنند با صدور اجرائیه و قدردت سر نیزه و توقیف اموال اصل مالیات را با اجرائیم
 و زیان دیر کرد از اموال او بر میدارند و از این راه طلب دولت را وصول
 می کنند .

مؤدبان مالیات ، چون بقانون ایمان ندارند ، اجراء آن را مانند
 دستور آسمانی و اوامر الهی از وظایف روحانی خود نمیدانند و تا جائیکه
 بتوانند از پرداخت شانه خالی می کنند .

امریکا برای وصول مالیات گاهی مجبور میشود ، املاک مردم را در معرض
 فروش قرار دهد و طلب خود را وصول نماید .

در باره وظایف ضابط دادگستری - و چون از طرف قاضی
 حکمی مبنی بر فروش املاک مؤدیانی که از پرداخت مالیات بر آن
 املاک سر باز زده اند صادر گشت ، وی آنرا بفروش میرساند .

در اسلام زکوة که بزرگترین اقلام مالیات کشاورزی و دام داریست
 مانند جهاد از عبادات است ، مسلمان ، پرداخت زکوة را از وظایف
 روحانی و ایمانی خود میداند و معتقد است که خداوند بزرگ امر فرموده
 مقداری از مال خود را بعنوان زکوة بپردازد ، برای اینکه پرونده حسابش
 در محکمه عدل الهی آلوده نباشد و کوچکترین حقی از مستحقین تضییع
 نشود کمال دقت را معمول میدارد و زکوة را تا دینار آخر برای رضای خدا
 می پردازد .

میگویند : مردم در اروپا و آمریکا بوظایف ملی خود در پرداخت
 مالیاتها توجه کامل دارند . هر کسی طبق قانون هر قدر مدیون باشد
 می پردازد . شرکتهای بزرگ در هر سال در موعد مقرر تمام بدهی و
 مالیات خود را بوسیله چك که ضمیمه ترازنامه شرکت است با اداره دارائی

تسلیم می کنند .

در هر حال این سؤال پیش می آید که اگر تاجر یا کاسب یا کشاورز با اداره دارائی بگوید: طبق قانون خود در آمدیون نمیدانم آیا اداره دارائی قبول می کند؟ و تنها باظهار اوراق منع میشود و اگر گفتارش مشکوک بنظر آمد دفاترش را رسیدگی نمی کنند؟ آیا بازرس های دارائی برای احراز صحت اظهاراتش به تحقیق و تفتیش موظف نیستند؟ آیا این شخص بصرف اظهارات خودش از پرداخت مالیات معاف میشود؟

در اسلام وصول زکوة روی بابه اعتماد باظهار مؤدی است ، مثلاً : اگر کشاورز یا دامداری خود را مشمول پرداخت زکوة نداند سخن او بدون چون و چرا مورد قبول است و باید مأمور وصول اظهارات او را بپذیرد برای استشهاد از نهج البلاغه قسمتی از بخش نامه حضرت امیر علیه السلام را که در وظایف مأمورین وصول زکوة صادر شده است در این جا نقل میکنیم :

« كان يكتبها لمن يستعمله على الصدقات: انطلق على تقوى الله وحده لا شريك له ولا ثرو عن مسلمان ولا تجتازن عليه و لا تأخذن اكثر من حق الله في ماله فاذا قدمت على الحي فانزل بمائهم من غير ان تخاف ايائهم ثم امض اليهم بالسكينة و الوقار حتى تقوم بينهم فتسلم عليهم ولا تخدمج التحية لهم ثم تقول : عباد الله ارسلني اليكم ولى الله وخليفته لاخذ منكم حق الله في اموالكم فهل لله في اموالكم من حق فتؤدوه الى و ليه فان قال قائل لا . فلا تراجع و ان انعم منعم فانطلق معه من غير ان تخيفه او توعدده او تعسفه او ترهقه بانقوى و پاکی بمحل مأموریت خود حرکت کن مواظب باش مردم را

نترسانی بآنها تجاوز نکنی. بیش از حق خدا از مردم چیزی نگیری، چون
 بآبادی رسیدی در کنار چاه آب یا مخزن آب قریه منزل کن و به خانه کسی
 نرو وقتی مردم جمع شدند، با کمال ادب و وقار بایست و سخن بگو اول
 سلام کن و مراتب تحیت و احترام را بدون کم و کاست تقدیم مردم نما
 سپس بگو: بندگان خدا، مرا ولی الله فرستاده است که حق خدا را از شما
 بگیرم. آیا کسی در اموال خود حقی برای خدای شناسد که به ولی او
 بپردازد؟ اگر کسی گفت: نه دیگر با ما مراجعه نکن و اگر کسی گفت
 بلی، برای وصول حق خدا با او برو ولی متوجه باش او را نترسانی، باعث
 بیم و هراسش نشوی سختگیری نکنی و بزحمت و دشواریش نیندازی.
 ملاحظه می کنید امور وصول مالیات در محیط ادب و احترام بدون
 ارباب و تهدید فقط موظف است بگوید: هر که خود را مدیون میدانند بپردازد
 و اگر کسی گفت: مدیون نیستم باید بپذیرد و حق مراجعه و مداخله در کار
 او و تفتیش از در آمد او را ندارد.
 آیا در دنیا ای اروپا و آمریکا قوانین مالیات این مقدار گشایش و
 تسهیل برای مردم منظور نموده است.
 آیا کشورهای اروپایی و آمریکایی چنین روز درخشانی را که اعتماد
 و اطمینان بعد اعلای خود برسد آرزو ندارند؟
 درود با سلام که چهارده قرن قبل، وضع وصول مالیات را روی پایه
 ایمان و وظیفه استوار نمود و اصل اعتماد و اطمینان را با وجع عظمت رساند
 و با این همه تسهیلات قانونی مردم زکوٰه را از روی خلوص و ایمان می پرداختند
 «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم»

قرآن مردم را بعد از آنکه ترین قانون و استوارترین آئین هدایت میکند
 زکوة در اسلام عبادت است، و ضامن اجرای قوانین آن ایمان
 بخدا است.

سیاه و سفید

یکی از آرزوهای مهم در جهان بشریت خاتمه دادن به اختلافات
 نژادی است دولت‌های جهان آرزو دارند با تمام وسایل ممکنه مجاهده
 کنند و عملاً به جنگ سیاه و سفید خاتمه دهند و بشر را از قید تعصب‌های
 نژادی آزاد نمایند، ولی بسیاری از مردم متمدن حاضر نیستند باین مساوات
 که يك اصل مسلم طبیعی است تن در دهند و نمی خواهند قبول کنند که
 سیاه و سفید با هم مساوی باشند.

روزنامه‌های چند سال اخیر را مطالعه نمائید و اخبار خبر گذاریمهای
 جهان را در موضوع جنگ سیاه و سفید در کشورهای انگلستان و آمریکا
 بخوانید به بینید دولت‌ها کوشش نموده اند برای رفع اختلافات نژادی و
 تساوی سفید و سیاه قوانینی وضع کرده اند و محاکم قضائی نیز در مواردی
 طبق آن قوانین احکامی صادر نموده، ولی تاکنون نتوانسته اند باین کار
 جامه عمل بپوشانند. اکثر مردم با تنفر و انزجار باین قوانین نگاه می کنند
 و همه جا عملاً مخالفت می نمایند.

در آمریکا مردم سیاه پوستی با تکا قوانین موضوعه و با امید قوای نیرومند
 انتظامی کشور که ضامن اجرای قانون است، در محله سفیدپوستان آمریکا
 منزلی تهیه کرد. خود دوزن و فرزندش در آن سکونت نمودند. سفیدپوستان
 بر آشفته بهیجان آمدند، آنقدر تخم مرغ گندیده و گوجه فرنگی پوسیده

بمنزلش برتاب کردند و باو و خانواده اش اهانت نمودند که نتوانست تحمل کند؛ تصمیم گرفت از آن محل برود و دامن سفید بوستان بر تواقع رازلکه سیاه خود و عائله اش پاک کند؛ ولی این کار هم ساده و بی سروصدا عملی نمی شد، زیرا خشم سفید بوستان بقدری شدید بود که برای جان زن و فرزندانش بی گناه خود احساس خطر میکرد، سرانجام مأمورین انتظامی خانه او را محاصره و با حمایت سرنیزه او و عائله اش را از چنگ مردم خلاص نمودند. در انگلستان در شهر لندن چند نفر سفید پوست به سیاهی توهین کردند سیاه پوست بمحکمه شکایت کرد. محکمه در حضور عده زیادی تماشاچی سفیدها را بزندان محکوم کرد، مردم بر ضد قانون و قاضی در محکمه سخت تظاهر کردند پاک زن سفید پوست از غصه غش نمود که چرا سفید پوست را بجرم اهانت سیاه زندانی میکنند. این نمونه مختصری از افکار بسیاری از مردم دنیای متمدن است.

پیغمبر اسلام چهارده قرن قبل در جهان تیره جهل و نادانی باین جنگ جاهلانه عملاً خاتمه داد، سیاه و سفید را با هم برابر کرد، روزی پیغمبر اسلام در منبر با کمال صراحت فرمود: لا فضل للعربی علی العجمی ولا لابیض علی الاسود الا بالتقوی عرب را بر عجم و سفید را بر سیاه امتیازی نیست مگر روی اصل فضیلت روحانی و تقوی.

در محیط آنروز بال سیاه را مؤذن خود کرد، بسیاری داو طلب این مقام بر افتخار بودند و آرزو داشتند مؤذن رسمی پیغمبر باشند، بعضی تمنای خود را مستقیم و غیر مستقیم بعرض رساندند و کسانی از اینکه بال سیاه مؤذن است اظهار عدم رضایت میکردند. ولی رسول اکرم کمترین

توجهی بدرخواست آنها نفرمود و اصرار داشت در سفر و حضر بلال مؤذن مخصوص باشد. پیغمبر اکرم جمعی از شایسته ترین افراد مهاجر و انصار را که دارای بصیرت و رأی صائب بودند انتخاب کرده بود تا در مسائل مهم کشور با آنها مشورت نماید، یکی از آن افراد بلال سیاه بود (۱)

گوئی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میخواست در آن روزگار ظلمانی که جنگ های طبقاتی و اختلافات نژادی قیافه وحشتناک و خا نمان بر انداز خود را بصورت مختلف در سراسر گیتی به بشر نشان میداد بفهماند: اسلام دین فطرت است، اختلافات نژادی جنگ با فطرت و نبرد با سنن و نوامیس تغییر ناپذیر خلقت است، برخلاف عقل و علم و منافعی با آزادی و فضیلت است باید حتماً از میان برود و بشر از این نادانیها خلاص شود.

توییح

برای اجرای قانون مساوات سفید و سیاه، پیشوای اسلام پیوسته مراقب تمام عکس العمل ها بوده و از کوچکترین لغزشی نمی گذشت و جداً مواخذه میکرد، روزی مرد مسلمانانی که مادرش از نژاد سیاه بود بمحضر پیغمبر آمد، ابوذر غفاری که اصحاب شایسته است گوئی از او بجهتی رنجیده خاطر شد و در حضور آنحضرت گفت «یا بنی السوداء» (فرزند سیاه) رسول اکرم صلی الله علیه و آله از شنیدن این سخن که بوی اختلاف نژادی میداد سخت بر آشفت، با ابوذر فرمود: «تعیره بامه» او را بسیاهی مادرش سرزنش میکنی؟ اعتراض رسول اکرم صلی الله علیه و آله شدید بود و ابوذر سخت مضطرب شد و از این

اشتباهی که در حضور پیشوای بزرگ اسلام مرتکب شده بود بشیمان گردید
و برای جبران این لغزش سر و صورت خود را بخاک مالید و اظهار ندامت
کرد تا پیغمبر از تقصیر او درگذشت .

قرنهایست ملت اسلام از قانون مساوات سفید و سیاه برخوردار است
در مساجد و معابد ، در تمام اجتماعات دینی و فرهنگی ، در کلیه مؤسسات
اقتصادی و نظامی سیاه و سفید دوش بدوش یکدیگر بدون کوچکترین
امتیاز قدم بر میدارند ، سالی یکبار در مکه معظمه که مرکز اجتماع تمام
نژادهای مختلف اسلامی است این قانون به بهترین وجهی عملی میگردد :
دنایای متمدن در عصر اتم و قمر مصنوعی هنوز گرفتار این مشکل است !

به بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا .

قانونی که مطابق اصل فطرت و طبیعت است ، در چهارده قرن قبل
در اسلام وضع و در تمام شئون اجرا گردیده و امروز در غرب مورد بحث
و گفتگو است و بسیاری از مردم آن سرزمین ظرفیت قبول آن را ندارند .
درود فراوان بر هب و پیشوای بزرگ اسلام